



۱۵

یک بوم شناس در گفت وگو با جام جم از راز و رمز خانه های عجیب برخی از حشرات می گوید

خانه سازهای حرفه ای در طبیعت



۱۴

باید و نبایدهای اکسیژن درمانی در نبرد با کرونا



نجات تاریخ با یک طرح طلایی

زندگی

شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰ شماره ۶۰۱۷



۱۶

جام جم



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۰۲۳۰۰۴۴۴۴

**#پلاک-غیر-بومی**
رضایی از مشهد:

از پلیس راهور تقاضا دارم نظارت بیشتری بر ورود و خروج خودروهای غیربومی به شهرهای زیارتی داشته باشد. با این که گفته می‌شود نظارت‌ها جدی است ولی عده زیادی به راحتی به مشهد سفر می‌کنند.

**#تعطیلی-کرونا**
پک شهروند:

آیا بهتر نیست با وجود وخیم‌تر شدن شرایط کشور به دلیل افزایش قربانیان کرونا، تعطیلی یک هفته‌ای بار دیگر در دستگاه‌های دولتی و برخی مشاغل در دستور کار قرار بگیرد؟

**#داروخانه-صف**
فلاح از تهران:

به دلیل افزایش بیماری کرونا، داروخانه ۳۳ آیان در خیابان کریمخان با صف‌های طولانی مواجه شده که خود مهم‌ترین عامل در انتقال بیماری است.

**#هویج-قیمت**
جوادی از تهران:

قیمت هویج به دلیل کرونا و تجویز پزشکان به شدت افزایش یافته است و در بازار میوه و تره‌بار کیلویی ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. چرا هر بار این اتفاق برای یکی از محصولات کشاورزی رخ می‌دهد و تدبیری برای آن اندیشیده نمی‌شود؟

**#اطلاع-رسانی-سفر**
داوودی از تهران:

چرا ۲۴ ساعت قبل از منع تردد، این موضوع اعلام می‌شود تا بسیاری از مردم قبل از شروع منع تردد بار سفر را ببندند؟ این موضوع هیچ کمکی به کنترل بیماری کرونا نمی‌کند.

**#مازندران-مسافر**
طیار از ساری:

با وجود منع تردد در میان شهرهای قرمز، متأسفانه تردد پلاک‌های غیربومی در شهرهای استان مازندران بسیار زیاد است به طوری که مسافران بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی رفت‌وآمدی آزادانه دارند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۶ با عنوان «سد معبر بساط گستران در خیابان هاشمی» مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۹ شهر تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: طی تذکرات لازم به نیروهای معبربان از خیابان مذکور بازدید و همه موارد سد معبر در آدرس مذکور رفع شد و در دستور کار گشت مستمر نیروهای معبربان در محدوده ناحیه یک منطقه ۹ قرار گرفت. لازم به ذکر است نظارت و پیگیری‌های لازم توسط ناظر خدمات شهری بر عملکرد معبربانان صورت می‌پذیرد.



مریم خیار

جامعه

پیش اراده بعضی از آدم‌ها باید اعتراف به ناتوانی کرد. آنها مثل فولاد محکم و شکست‌ناپذیر و مثل موم نرمند؛ دو خصلتی که اگر آنها را روزگار خم کند مانع شکستن و فروپاشی‌شان می‌شود. بیتا عادل پور، دختر ۳۴ ساله اهل روستای علی‌آباد چراغ در نورآباد استان لرستان یک تکه فولاد است؛ قوی، بی‌تزلزل و رویین‌تن. ظاهر او دختری است گرفتار معلولیت و نشسته روی صندلی چرخدار ولی باطنش که همه چیز اوست، انسانی است مصمم که به جای پاهای عادی، چرخ‌های آهنی یک ویلچر او را حرکت می‌دهد و کمکش می‌کند به چیزهایی برسد که خیلی‌ها نمی‌توانند. برای آدم‌های معمولی، راه‌انداختن یک مزرعه پرورش ماهی نه کاری تازه است و نه عجیب اما برای او که از پنج سالگی چاره‌ای جز تسلیم چهر شرایط شدن نداشته، کاری است هم تازه و هم عجیب. برای این که او خانه‌نشین شود خیلی هاتلاش کردند، برای این که مجوز نگیرد و دستش به جایی بند نشود خیلی‌ها انرژی گذاشتند ولی در نهایت او بود که شکست و پیروز شد. بیتا عادل پور حالا یک کارآفرین روستایی است که به قول خودش نانی مطمئن و دائمی توی سفره هفت خانواده می‌گذارد و اگر جورچین برنامه‌هایش جور شود سر این سفره ۱۰ خانواده جدید نیز خواهند نشست.

ظاهر کسب و کار شما با یک رویا شروع شده است، رویای مستقل شدن و روی پای خود ایستادن. درست است؟
بله، من همیشه دوست داشتم برای خودم کسب و کاری داشته باشم مخصوصا که در بخش کشاورزی باشم. **این علاقه علت خاصی داشت؟**
چون پدرم کشاورز بود همیشه دوست داشتم کاری در رابطه با بخش کشاورزی داشته باشم و علاوه بر تامین زندگی خودم به تامین معاش چند خانواده هم کمک کنم. از کشاورزی و تولید لذت می‌برم. تولید باعث استقلال می‌شود و کسی مثل مرا از وابستگی به دیگران رها می‌کند. **این افکار از چه سنی در شما شکل گرفت؟**
تقریباً از ۱۸ سالگی. خداوند اگر نعمت سلامت را از من گرفت اما به جایش هزاران امید به من داد تا خودم را هیچ وقت یک معلول ندانم و به زندگی امیدوار باشم. من از پنج سالگی به فلج اطفال مبتلا شدم و روی ویلچر نشستم. من با صندلی چرخدار بزرگ شدم و روی آن قد کشیدم اما هیچ وقت ناامید نشدم. من می‌توانستم به عمومیت راه بروی که یک مینی‌بوس همه بچه‌های روستاهای بالا و پایین را سوار کرد و به شهر برد تا واکسن بزنند من جا ماندم و تنها بچه‌ای شدم که به فلج مبتلاست. این فکرها مانع پیشرفت است، برای همین من کنارشان گذاشتم و افکارم را به سمت دیگری هدایت کردم. **به سمت پرورش ماهی؟**
به گلخانه هم علاقه زیادی داشتم اما سال ۹۵ که به زیارت حضرت معصومه (س) رفتم و در راه بازگشت در اراک به یک مزرعه پرورش ماهی سرزدم، همه عشق و علاقه‌ام شد پرورش ماهی.

بچه‌ماهی و خوراک مشکل داشتم. **چرا بچند استخر شروع شد؟**
شش تا که الان شده است ۱۲ تا که ۸۰ تن ماهی در سال در آنها تولید می‌شود. البته اگر تلفات نداشته باشم تا سالی ۱۲۰ تا ۱۴۰ تن هم می‌رسد. **چرا تلفات دارید؟**
استخرهای من در پایین دست است و در بالادست هشت پرورش ماهی فعالیت دارند. اگر در بالادست کوچک‌ترین آلودگی وجود داشته باشد ماهی‌های پایین دست می‌میرند. یک بار این اتفاق برام افتاد و ۶۰۰ میلیون تومان ضرر کردم. **این ضرر می‌شود ۶۰۰ میلیون تومان بیشتر از کل سرمایه شما. تحمل این ضرر آسان نیست.**

هرگز آسان نیست. وقتی این اتفاق افتاد من دو روز کامل لب به آب و غذا نزدم و تا جان داشتم گریه کردم اما بعد به خودم آمدم و گفتم گریه بس است و باید کار کرد. پس استخرها را خالی کردم، شستیم و دوباره شروع به کار کردیم البته باید بختی و زحمت. **دیدن ماهی‌های مرده روی آب چه حسی داشت؟**
وحشتناک بود اما پیش خودم فکر کردم شاید این اتفاق حکمتی دارد. یک بار هم شش تن از ماهی‌ها را برق گرفت و همه تلف شدند ولی این بار هم خودم را نباختم. اینها برایم تجربه بود. به این نتیجه رسیدم باید کارگر ماهر داشته باشم تا برق‌گرتگی اتفاق نیفتد و باید برای خودم چاه داشته باشم تا آلودگی بالادست، ماهی‌های مرا نکشد. دنبال مجوز هستم و کارها تقریباً انجام شده است. **به ماهی‌ها چه حسی دارید؟**
(می‌خندد) پرورش ماهی مثل این است که داری بچه‌هایت را بزرگ می‌کنی و روز به روز رشد آنها را می‌بینی. دیدن بزرگ شدن ماهی‌ها خیلی لذت دارد. **اما شما بچه‌ها تان را برای خوردن شدن آماده می‌کنید.**

تولید است دیگر. کار دیگری جز خوردن نمی‌شود کرد. (می‌خندد) **روزی که ماهی‌های شما مردند کسی به کمک‌تان آمد؟**
به جز یک نفر، هیچ‌کس. آقای که خودش پرورش ماهی دارد به من خوراک و بچه‌ماهی داد و گفت هر وقت دوباره روی پاشی اینها

را برگردان. ولی کسی که ۱۱ مزرعه پرورش ماهی دارد حاضر نشد هیچ کمکی به من بکند. من قرضم را به همکاری که کمک کرد اکنون داده‌ام. **چطور موفق شدید؟**

بنیاد برکت واسطه‌ای شد تا ۷۰۰ میلیون تومان بدون سختگیری و مانع‌تراشی از بانک وام بگیرم. این مبلغ کمک کرد تا سرپا شوم. **الان کسب و کار خوب است، اوضاع بی‌مشکل می‌چرخد؟**
بله خدا را شکر. من مشتری‌های دائمی خوبی دارم که از هیچ‌کس خرید نمی‌کنند جز من. **این همه وفاداری برای چه؟**
چون ماهی‌هایم با کیفیت و خوشمزه است، علتش هم آب خوبی است که ماهی‌ها در آن پرورش می‌یابند. بخشی از این آب از رودخانه و سراب است و بخش دیگرش از چشمه‌ای که در زمین خودمان است. **۶۰۰ میلیون تومان مقروض بودن ترسناک نیست؟**

کار تولید، ریسک دارد و باید انجامش دهی. اگر خطر نکنی که نمی‌توانی هیچ کاری انجام بدهی و به جایی برسی. اگر این بار هم باختم دوباره شروع می‌کنم. با امید به خدا همه چیز درست می‌شود. **خطر کردن‌های شما برای چند نفر موقعیت شغلی ایجاد کرده؟**
الان هفت نفر مشغول به کارند و خوشحالم که مقاومت کردم تا امروز نان به سفره هفت خانواده برسد. **این هفت نفر همه مرد هستند؟**

بله چون کار پرورش ماهی برای خانم‌ها سنگین است. **این آقایان ناراحت نیستند که کارفرمای آنها یک خانم است؟**
چرا ناراحت باشند؟ خیلی هم خوشحالند چون من به آنها فشار نمی‌آورم و همیشه با خنده و خوشرویی با آنها برخورد می‌کنم. **شما یک فرد دچار معلولیت هستید که می‌توانم را در عمل ثابت کرده‌اید. حتماً برای آینده برنامه دارید.**

آنچه دنبال می‌کنم ایجاد زیرساخت‌های گردشگری در مزرعه پرورش ماهی است. اگر موفق به اجرای این کار شوم حداقل برای ۱۰ نفر دیگر شغل ایجاد می‌شود و این نهایت آرزوی من است.



گفت وگو با بیتا عادل پور، بانوی دارای معلولیت لرستانی که با پرورش ماهی به رویاهای دوره کودکی و نوجوانی‌اش دست یافته است

ماهی‌ها بچه‌های من هستند

در ۱۲ استخر پرورش ماهی خاتم عادل پور، سالانه بیش از ۸۰ تن ماهی قرل آلا و سالمون تولید می‌شود